



## Analysing the Encounterance of Early Scholastic Thinkers with the Value of Money; Lessons for Islamic Economic

Mohammadhosein Bahmanpour Khalesi\*  
Mohammad Javad Sharifzadeh\*\*



10.30497/ifr.2022.241688.1665

20.1001.1.22518290.1401.12.1.4.9



### Abstract

This study examines how the early scholastic thinkers dealt with the issue of the value of money and also its theoretical teachings with Analytical-library method for the study of Islamic economic. The results of this study show that money was significant for scholastic thinkers both from a moral and teleological perspectives and therefore became an analytical subject for them. Accordingly, scholastic thinkers developed three doctrines of chartalism, metalism, and combined approach in relation to the value of money. Based on the findings of this study, paying attention to the thematics of economic institutions can help in the dynamics of religious thought in the application of religious norms on new topics. Also, using the teleological method in the thematics of economic institutions provides the necessary ground for harmonizing thematics with religious norms. On the other hand, the need to pay attention to the dynamics of economic institutions over time to avoid simplification in analysis is one of the other implications of the analytical approach of school thinkers to the issue of the value of money for the study of Islamic economic.

### Keywords

Nature of Money; Value of Money; Scholastic Thinkers; Chartalism; Metalism.

JEL Classification: B11, B31, G20, N13.

\* Researcher and Phd student, Economic Sciences, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

m.bahmanpour@isu.ac.ir

0000-0003-1021-6393

\*\* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

Received: 2021/09/25

Accepted: 2022/01/22

## تحلیل مواجهه متفکران مدرسی اولیه با مسأله «ارزش پول»؛ رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

محمدجواد شریف‌زاده\*\*

محمدحسین بهمن پور خالصی\*

### چکیده

این مقاله به بررسی مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی اولیه با مسأله ارزش پول و همچنین دلالت‌های نظری آن برای مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی با بهره‌گیری از روش تحلیلی-کتابخانه‌ای پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مسأله ارزش پول برای متفکران مدرسی اولیه هم از زاویه اخلاقی و هم از زاویه نگرش غایت‌نگر آنان نسبت به هستی قابل‌تأمل بود و از این رو به موضوعی تحلیلی برای ایشان بدل گردید. برخلاف مطالعاتی که تاکنون انجام پذیرفته این مقاله نشان می‌دهد که متفکرین مدرسی «سه دکترین» سبژکتیو (چارتالیسم)، آبژکتیو (فلزگرا) و چندساخته را نسبت به ارزش پول توسعه دادند. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، توجه به موضوع‌شناسی نهادهای اقتصادی می‌تواند در پویایی اندیشه دینی در کاربست هنجارهای دینی بر موضوعات جدید کمک نماید. همچنین بهره‌گیری از روش غایت‌نگر در موضوع‌شناسی نهادهای اقتصادی نیز زمینه لازم جهت هماهنگی موضوع‌شناسی با هنجارهای دینی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر نیز ضرورت توجه به پویایی نهادهای اقتصادی در گذر زمان از جمله دلالت‌هایی دیگری است که نحوه مواجهه تحلیلی متفکران مدرسی با مسأله ارزش پول برای مطالعات اقتصاد اسلامی دارد.

### واژگان کلیدی

ماهیت پول؛ ارزش پول؛ متفکرین مدرسی؛ چارتالیسم؛ فلزگرا.

\* پژوهشگر و دانشجوی دکتری، علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام،

m.bahmanpour@isu.ac.ir

تهران، ایران (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران ایران

sharifzadeh@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

### مقدمه

امروزه در نظریات اقتصاد پولی دو دکترین رایج در زمینه ارزش پول وجود دارد: «دکترین سابژکتیو» (چارتالیسم<sup>۱</sup>) و «دکترین آبژکتیو» (فلزگرا<sup>۲</sup>). در نگرش سابژکتیو (چارتالیسم) ارزش پول مستقل از ارزش مبادله‌ای ماده سازنده آن در نظر گرفته می‌شود؛ از این رو اعتبار حقیقی پول به مؤلفه‌های ذهنی (Simmel, 2004) یا مرجع انتشار آن (حکومت) (Knapp, 1924) نسبت داده می‌شود. براساس این نگرش اعتبار و مقبولیت اجتماعی پول یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌گیری ارزش پول است. در این نگرش، پول حتی اگر دارای ارزش ذاتی هم نباشد ولی اگر به‌عنوان ابزار مبادله مورد پذیرش همگان قرار گیرد می‌تواند کارایی داشته باشد. به تعبیر دیگر هویت حقیقی پول تنها مشتمل بر ساخت فیزیکی آن نیست، بلکه پول دارای هویتی اجتماعی نیز هست که در تعاملات اقتصادی کنشگران شکل می‌یابد. از این رو هر آنچه بتواند دارای ارزشی اجتماعی در میان افراد جامعه باشد و اعتبار خریدار را برای خرید کالا به فروشنده به اثبات برساند، می‌تواند نماینده‌ای از پول باشد. برخلاف رویکرد سابژکتیو، در نگرش آبژکتیو ارزش پول رابطه تنگاتنگی با مواد سازنده آن دارد. به طوری که ارزش پول مستقل از ارزش مبادله‌ای مواد سازنده آن تعیین نمی‌گردد. بر این اساس پول نماد و یا نماینده‌ای از یک کالای ارزشمند است که می‌تواند به‌عنوان واسطه مبادله، هزینه مبادلات را کاهش دهد. در نتیجه ارزش حقیقی پول مبتنی بر این دکترین مشتمل بر ارزش و قدرت خرید ماده سازنده پول است؛ از این رو ضروری است که پول از کالایی ارزشمند ساخته شده و یا آنکه مرتبط با آن باشد (Schumpeter, 1994, p. 275). اگرچه این دو نگرش امروزه در ادبیات پولی علم اقتصاد بسیار رواج دارد اما تاریخ پیدایش و تطور آن را می‌توان در قرن‌ها پیش‌از این جستجو نمود. از جمله متفکرینی که سهم

1. Chartalism

2. Metalism

۳. مهم‌ترین پیروان نظریه آبژکتیو نسبت به ارزش پول پیروان دیدگاه‌های فلزگرای نظری هستند. در یک نگاه دقیق‌تر به دکترین فلزگرا، شومپتر نگرش فلزگرا را به دو رویکرد نظری و عملی تقسیم می‌کند. او معتقد است که فلزگرایی نظری بر مبنای این اصل است که لازم است پول مشتمل یا پوشش‌دهنده با یک کالا باشد، به طوری که دارای ارزشی مستقل از ارزش مبادله‌ای آن باشد. در نتیجه ارزش حقیقی پول در این صورت برابر ارزش و قدرت خرید آن کالا در بازار-مستقل از کارکرد پولی آن- است. همچنین فلزگرایی عملی مبتنی بر این اصل است که پول باید مرتبط و یا قابل مبادله با مقدار مشخصی کالا باشد (Schumpeter, 1994, p. 275).

برجسته‌ای در توسعه و تکامل این دو رویکرد پولی داشتند، متفکران مدرسی اولیه بودند. از این رو این پژوهش در تلاش است تا به مطالعه نقش این متفکران در توسعه و تکامل نظریه ارزش پول بپردازد.

فهم نحوه مواجهه متفکرین مدرسی اولیه با مسأله ارزش پول می‌تواند از منظر شناخت ماهیت پول و تطور موضوع‌شناسی آن در بستر تاریخی قابل توجه باشد اما با این وجود اهمیت این مسأله بدین‌جا محدود نمی‌گردد. امروزه در کشور ایران، شریعت اسلامی محوریت اصلی اداره جامعه را برعهده گرفته است، اما با این وجود همچون تجربه کشورهای مسیحی در قرون میانه متأخر این محوریت با دو چالش ویژه روبه‌رو است. از یک سو اندیشه دینی در مواجهه با نگرش‌های مدرن و حجمه‌های تحلیل و نظری آن‌ها قرارداد و از سوی دیگر پیشرفت‌های فراوان فناوری سبب افزایش سرعت هماهنگی نهادهای اقتصادی - اجتماعی ایران با پیشرفت‌های مدرن جهانی شده است. از این رو این تحولات شریعت اسلامی را نیازمند اتخاذ موضع نظری و عملی در مقابل آن کرده است. مطالعه تجربه مواجهه اندیشه و اندیشمندان مدرسی به‌عنوان یک رویکرد دینی با مسأله ارزش پول - باتوجه‌به اشتراکات آن با عصر حاضر - می‌تواند رهنمودهای خوبی برای ادامه مسیر اندیشه دینی در مواجهه تحلیلی با سایر مسائل اقتصادی و همچنین جلوگیری از خطر انفعال و استحاله آن - حداقل در مقام کارآمدی عملی - فراهم آورد.

یکی از مسائلی که مدرسیان در روش تحلیلی خود به آن پرداختند، معاضدت منابع مختلف معرفتی در کنار منابع نقلی بود. در حقیقت یک متفکر مدرسی نه تنها عقل و تجربه را در مقابل نقل قرار نمی‌داد، بلکه از آن‌ها جهت فهم بیشتر منابع نقلی بهره می‌برد. باتوجه به آنکه امروزه نیز مسأله جمع میان منابع معرفتی یکی از چالش‌های اقتصاد اسلامی و روش‌شناسی‌های موجود آن به حساب می‌آید، توجه به دستاوردهای نظری متفکران مدرسی از این منظر نیز می‌تواند زمینه‌ای برای الگوگیری از ایشان در مطالعات اقتصاد اسلامی فراهم آورد.

براساس مطالب پیش‌گفته این مطالعه در تلاش است تا با استفاده از روش تحلیلی - کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ گوید که چه دکترین‌هایی در زمینه ارزش پول در اندیشه متفکرین مدرسی اولیه وجود داشته است و نقش ایشان در پیش برد نظریه مدرن پولی چیست؟ همچنین مواجهه متفکرین مدرسی با مسأله ارزش پول چه دلالت‌هایی برای

مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی در این زمینه و سایر حوزه‌های مرتبط با اقتصاد پولی می‌تواند داشته باشد. برای این منظور در ابتدا به معرفی اجمالی متفکرین مدرسی می‌پردازیم و در ادامه مروری اجمالی بر ساخت واقعیت پول در قرون میانه می‌نماییم و در ضمن آن به این پرسش پاسخ می‌دهیم که چرا پول برای یک متفکر مدرسی به مسأله‌ای تحلیلی بدیل گردیده بود. سپس به تبیین و بررسی ماهیت پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه و نوآوری‌های نظری ایشان می‌پردازیم. در بخش نتیجه‌گیری ضمن ارزیابی مجدد دکتربین‌های ارزش پول در اندیشه متفکرین مدرسی اولیه آموزه‌های آن را برای اقتصاد و مالیه اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱. مروری بر ادبیات نظری بحث

در میان مطالعات گوناگون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسی دودسته از مطالعات را می‌توان از هم تمییز داد؛ دسته‌ای از پژوهش‌ها همچون مطالعات مونرو<sup>۴</sup> (۱۹۲۳) شومپتر<sup>۵</sup> (۱۹۸۱)، لانگهولم<sup>۶</sup> (۱۹۹۲)، تور<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) و گردون<sup>۸</sup> (۱۹۷۵) رویکرد متفکرین مدرسی نسب به ارزش پول را مبتنی بر نگرشی فلزگرایانه تفسیر نموده‌اند. با این وجود برخلاف این پژوهش‌ها، دسته دیگری از مطالعات دکتربین پولی متفکرین مدرسی را تنها منحصر به رویکرد فلزگرا نمی‌دانند. به‌عنوان مثال لاپیدوس<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) و چاپلیگین و لاپیدوس<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۶) در مطالعات خود به وجود دو دکتربین قراردادی و فلزگرا در اندیشه پولی مدرسی اشاره می‌نمایند؛ همچنین برایدی<sup>۱۱</sup> (۱۹۰۶) نیز در تعابیر مشابهی بر وجود دو دکتربین نشانه‌گرا و کالاگرا در نظریه پولی متفکرین مدرسی تأکید نموده‌اند.

از سوی دیگر نیز در زمینه مطالعه نسبت نظریه اقتصادی متفکرین مدرسی با اقتصاد اسلامی نیز تاکنون مطالعاتی صورت پذیرفته است که از جمله آن می‌توان به پژوهش‌های اصلاحی<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۱) و وینسنت<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۴) اشاره کرد. اصلاحی (۲۰۱۱) در مطالعه خود به

4. Monroe

5. Schumpeter

6. Langholm

7. Torre

8. Gordon

9. Lapidus

10. Chaplygina & Lapidus

11. Bridrey

12. Islahi

13. Vincent

بررسی ریشه‌های شکل‌گیری این دو جریان فکری و نیز برخی از مشابهت‌های نظری این دو جریان همچون تحریم ربا، تکیه بر قیمت عادلانه و... پرداخته است. در نگاه او اخلاق و ارزش‌های انسانی برجسته‌ترین ابعاد نظریه اقتصادی متکلمان اسلامی و مدرسین را تشکیل می‌دهند. همچنین وینسنت (۲۰۱۴) نیز با بررسی رویکرد متفکران مدرسی به بهره و ربا به مطالعه کاربردهای این نظریه در اقتصاد مدرن با بهره‌گیری از نظریه مالی اسلامی پرداخته است. این پژوهش ضمن مطالعه تطبیقی دکترین ممنوعیت ربا در اسلام و مدرسین قرون میانه بر اهمیت نقش نظریه تحریم ربا در شکل‌دهی به اندیشه مدرن اقتصادی و نهادهای جایگزین تأکید نموده است. اگرچه عمده تأکید این پژوهش‌ها بر مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون نظریاتی همچون نظریه ربا، عدالت مبادله‌ای و قیمت عادلانه در اندیشه اسلامی و مدرسی بوده است، اما با این وجود هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به زمینه‌های روش‌شناختی و نحوه مواجهه متفکرین مدرسی با مسائل اقتصادی و دلالت‌های بالقوه آن برای اقتصاد اسلامی تأکید ننموده است.

بر اساس مطالعاتی که تاکنون در موضوعات مشابه صورت پذیرفته است، مقاله حاضر در تلاش است تا با بازخوانی مجدد دکترین‌های پولی موجود در اندیشه اقتصادی متفکرین مدرسی و با تمرکز بر ارزیابی نقش موضوع‌شناسی ماهیت پول، نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. علی‌رغم مطالعاتی که تاکنون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسی صورت پذیرفته است، این مقاله در تلاش است تا به تبیین سه دکترین پولی در اندیشه مدرسی بپردازد که این امر در میان مطالعات پیشین مسبوق به سابقه نیست. همچنین در ادامه نیز دلالت‌های قابل توجه مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی - به‌خصوص در بُعد روش‌شناسی - برای اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این‌رو ارائه تفسیری جدید از دکترین‌های پولی در اندیشه مدرسین اولیه با توجه به مبادی معرفت‌شناسی و موضوع‌شناسی پول توسط ایشان و همچنین مطالعه دلالت‌های نحوه مواجهه تحلیلی این متفکرین برای مطالعات اقتصاد اسلامی را می‌توان از جمله اهداف اصلی و متمایز این پژوهش نسبت به سایر مطالعات قبلی دانست. از آنجاکه اغلب پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در زمینه اندیشه اقتصادی متفکرین مدرسی و اسلامی بر پژوهش‌های تطبیقی متمرکز است، از این‌رو پژوهش تحلیلی-کتابخانه‌ای متفکرین مدرسی

و دلالت یابی آن برای اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند زمینه جدیدی در پژوهش‌های مرتبط در این حوزه به‌شمار آید.

## ۲. معرفی متفکرین مدرسی

در سایه ثبات سیاسی نسبی و نیز پیشرفت‌های چشم‌گیر اقتصادی و علمی ایجادشده پس از قرن دوازدهم میلادی، در اروپا طبقه جدیدی از متفکران مسیحی شکل یافت که از ایشان به مدرسیان<sup>۱۴</sup> تعبیر می‌شود. غلبه مسأله آموزش با رشد مدارس در قرون میانه پسین و افزایش انگیزه تدریس در میان متفکران مسیحی (شومپتر، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۵) و نیز از سوی دیگر شیوه جدید تفکر و آموزش که عمدتاً در مدارس و دانشگاه‌های جدید اروپا ترویج می‌شد سبب آن شده تا به نواندیش متفکر مسیحی در آن دوره مدرسی<sup>۱۵</sup> اطلاق گردد. مدرسیان در حقیقت طبقه‌ای روشنفکر از متکلمان مسیحی را شکل می‌دادند که تحت تأثیر آراء و اندیشه‌های ابن رشد، ارسطو و... - که از طریق نهضت ترجمه اروپا و نیز فراگیری زبان عربی به ایشان منتقل شده بود (ایلخانی، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۱) - سعی در ارائه تبیینی عقلانی از آموزه‌های دینی (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۴۰۱) و نیز مواجهه فعال با تحولات اجتماعی و اقتصادی آن دوره داشتند. برای این منظور ایشان از سه مرجع اصلی «قوانین الهی»، «قوانین وضعی» (قانون رومی) و «قوانین طبیعی» (آموزه‌های ارسطو، افلاطون سایر فلاسفه) در کنار عقل بهره می‌بردند (Noonan, 1957, p. 21).

باتوجه به جایگاه اجتماعی ویژه‌ای که کلیسا در این دوران در میان کلیه طبقات اجتماعی یافته بود و نیز باتوجه به تغییر و تحولات بسیار سریع اروپا در تمامی حوزه‌های نظری و عملی، مدرسیان به‌عنوان طبقه روشن‌فکر کلیسا در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته بودند. پایبندی بر ارزش‌های سنتی دینی از سویی و نیز نیاز به هماهنگی با تحولات فناورانه و تمدنی جدید همچون شیوه‌های جدید مبادله، شهرهای تجاری و همچنین مواجهه اروپا با اندیشه‌های جدیدی که از طریق نهضت ترجمه به اروپا انتقال یافته بود، نیازهای جدیدی را در حوزه‌های عملی و نظری برای جامعه اروپا در قرون میانه پسین<sup>۱۶</sup> ایجاد کرده بود که عدم پاسخگویی کلیسا به آن و انفعال در مقابل این تحولات مساوی با

14. Scholastics

15. Schilastic

16. Late Middle Ages

کاهش مرجعیت و مقبولیت او در جامعه بود. از سوی دیگر بسیاری از نواندیشان مذهبی همچون توماس آکوئیناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵)<sup>۱۷</sup>، ضمن پذیرش برخی از این تحولات شیوه‌های جدیدی را در تفکر مسیحی پایه‌ریزی نمودند که تأکید اصلی آن بر استفاده از سایر منابع معرفتی همچون عقل و تجربه و نیز امکان پالایش بسیاری از افکار و نظریات خارج از کلیسا در جهت تقویت اندیشه دینی بود. این نگاه اگرچه در ابتدا با مخالفت طبقه سنتی کلیسا روبرو شد (دورانت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۱۲۹۸)، اما به مرور زمان مورد قبول ایشان واقع گردید. مدرسین در حقیقت دنبال‌کنندگان این سنت فکری در اروپا بودند. ورود کلیسا به برخی مباحث عملی در کنار آموزش الهیات و نیز توجه به عقل به‌عنوان یکی از ابزارهای قابل استفاده در تقویت آموزه‌های دینی (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۴۰۱) و همچنین تأکید بر تجربه و تحلیل برای شناخت و فهم افعال الهی در عالم خلقت (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۶۲۶) - همچون سنت فکری مدرسه شاتر<sup>۱۸</sup> و دانشگاه آکسفورد<sup>۱۹</sup> (گمپل، ۱۳۷۴، ص. ۱۶۱) - از جمله نوآوری‌های نظری مدرسین در این دوران بود.

سنت فکری مدرسی در طی قرون مختلف دوره‌های متفاوتی را سپری نموده است. بر این اساس مدرسین را در دسته‌های مختلفی طبقه‌بندی نموده‌اند. دسته نخست شامل متفکرین مدرسی اولیه<sup>۲۰</sup> یا کلاسیک می‌شود. این دسته از متفکرین که دوره حیات ایشان اغلب قرون دوازده تا پانزده را شامل می‌گردد در حقیقت بنیان‌گذاران اندیشه مدرسی در تاریخ اندیشه اقتصادی هستند و جایگاه ویژه‌ای در میان سایر دسته‌ها و نحله‌های مدرسی دارند (شومپتر، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۴-۱۱۲). متفکران مدرسی اولیه نیز خود دسته‌ای همگن از متفکران را تشکیل نمی‌دادند. از بعد وابستگی‌های کلیسایی اغلب این متفکرین وابسته به فرق فرانسیسی<sup>۲۱</sup> و دومینیکنی<sup>۲۲</sup> بودند. همچنین از بعد اندیشه فلسفی و مبانی معرفتی نیز این متفکرین به دودسته متفکرین مدرسی واقع‌گرا<sup>۲۳</sup> و نام‌گرا<sup>۲۴</sup> تفکیک می‌شدند. این تمایز

17. Aquinas

18. School of Chartres

19. Oxford University

20. Early Scholastic Thinkers

21. Franciscans

22. Dominicans

23. Realism



معرفتی در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی ایشان به‌خصوص در تحلیل پول سبب ایجاد ممیزات ویژه‌ای برای این دو نحله فکری شده است. ازجمله متفکرین مدرسی اولیه می‌توان به اکوئیناس (۱۲۲۵-۱۲۷۴)<sup>۲۵</sup>، ارسم (۱۲۲۰-۱۲۹۹)<sup>۲۶</sup> و همچنین بوریدان (۱۳۵۸-۱۳۰۱)<sup>۲۷</sup> اشاره نمود. پس از متفکرین مدرسی اولیه، متفکرین مدرسی متأخر (قرن ۱۵ تا ۱۷) (Ashworth, 1995) - که اغلب در جنوب اسپانیا می‌زیستند- و همچنین متفکرین مدرسی اصلاحی - متأثر از اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه مارتین لوتر- دسته‌های دیگر متفکران مدرسی را شکل می‌دهند. ازجمله متفکرین مدرسی متأخر می‌توان به ازبیلکوئتا<sup>۲۸</sup> (۱۴۹۱-۱۵۸۶)، مولینا<sup>۲۹</sup> (۱۵۳۵-۱۶۰۰) و لسیوس<sup>۳۰</sup> (۱۵۵۴-۱۶۲۳) و همچنین ازجمله برجسته‌ترین متفکرین مدرسی اصلاحی می‌توان به کالوین<sup>۳۱</sup> (۱۵۰۹-۱۵۶۴) اشاره نمود.

#### ۴. ساخت پول در واقعیت اجتماعی قرون میانه

غلبه نظام فئودالیسم بر مناسبات اقتصادی قرون میانه اولیه سبب گردیده بود که پول فلزی کارکرد زیادی در مبادلات اقتصادی مردم نداشته باشد. کاهش مبادلات پولی و در نتیجه آن کاهش گردش پول نیز سبب کاهش اعتماد مردم به آن به‌عنوان ابزاری مطمئن برای مبادلات شده بود؛ ازاین‌رو لزوماً همه فروشندگان، مبادله محصولاتشان در برابر سکه را نمی‌پذیرفتند (Bloch, 2014, pp.73-74). همچنین بسیاری از تعهدات فئودالی و غیر آن

۲۴. ریشه‌های بسیاری از اندیشه‌های مدرن در قرون بعدی همچون اومانیسم، نسبت معرفت و اخلاق و... را می‌توان در اندیشه‌های نام‌گرایان یافت. برخلاف رویکرد واقع‌گرای مدرسی که مبتنی بر نظریه قانون طبیعی به دنبال اکتشاف نظم عالم خلقت بود، این جریان قائل به آن بود که هیچ نظم ثابت طبیعی و عقلانی وجود ندارد که انسان بتواند بفهمد و هیچ شناختی از خداوند مگر از طریق وحی ممکن نیست. در نتیجه تأکید اصلی این جریان بر منابع نقلی به‌جای عقل بود. اعتقاد به تفرد وجود شناسانه و عدم وجود و آفرینش کلیات و در نتیجه عدم اعتقاد به وجود ذات ثابت در موجودات و نفی رئالیسم معرفتی ازجمله دیگر آراء فکری این جریان به شمار می‌آید. تأکید بر فرضیه و آزمون به‌جای منطق قیاسی کلاسیک مدرسی نتیجه روش‌شناختی عقاید الهیاتی و کلامی این جریان بود (گیلسپی، ۱۳۹۸، صص. ۷۲-۸۹).

25. Aquinas
26. Oresme
27. Buridan
28. Azpilcueta
29. Molina
30. Lessius
31. Calvin

با استفاده از پرداخت‌های کالایی انجام می‌پذیرفت و نقش پول تنها برای تعیین ارزش تعهدات قابل توجه بود. با این وجود پرداخت مالیات، دستمزد صنعت‌گران و ... به صورت پولی انجام می‌پذیرفت. عمده سکه‌های موجود در قرون میانه اولیه شامل سکه‌های نقره‌ای بود که عمدتاً توسط ضربخانه‌های خصوصی اربابان، نجبا و برخی از اصحاب کلیسا منتشر می‌شد (Usher, 1943, p. 178).

با توسعه شهرها، مناسبات تجاری و گسترش بازارها و همچنین با افزایش تمرکز قدرت در قرون میانه پسین، استفاده از پول فلزی رونق بیشتری یافت. پول فلزی اغلب از فلزاتی گران‌بها همچون نقره و طلا ضرب می‌گردید، اما به مرور با افزایش تجارت و نیاز به ضرب سکه‌هایی سبک‌تر و کم‌ارزش‌تر، ضرب سکه‌های مسی نیز متداول شد (Usher, 1943, pp. 196-197). آن‌چنان‌که از اخبار تاریخی ارائه‌شده توسط متفکرین مدرسی به دست می‌آید، در این دوران سکه‌های غیرفلزی (چرمی) نیز به سبب برخی از نیازهای اضطراری - همچون جنگ - انتشار می‌یافته است (Mariana, 2002, p. 11).

علی‌رغم تعیین استانداردهای ضرب سکه توسط پادشاهان و الزام ضربخانه‌ها به پایبندی به آن، محدودیت فناوری ضرب سکه تا پیش از قرن شانزدهم مانع از ضرب سکه‌هایی یکسان و مطابق با استانداردهای اعلامی بود. از این رو اغلب، سکه‌ها بر اساس ارزش اسمی آن مورد مبادله قرار می‌گرفت. ضرب سکه‌های فلزی با هزینه‌هایی همراه بود که به آن حق‌الضرب می‌گفتند. هزینه حق‌الضرب، دولت‌ها را مجبور می‌ساخت تا برای جبران آن، این هزینه‌ها را در ارزش اسمی سکه‌ها منعکس سازند. از این رو معمولاً مقداری اختلاف میان ارزش اسمی سکه‌ها و ارزش شمش معادل آن وجود داشت (Usher, 1943, pp. 196-197).

اگرچه تاریخ انتشار نخستین پول کاغذی به قرن هجدهم بازمی‌گردد، اما توسعه دکترین قابل‌انتقال به غیر<sup>۳۲</sup> در ابزارهای اعتباری سبب گردید تا در قرن هفدهم بسیاری از اوراق بانکی<sup>۳۳</sup> که نماینده تعهد بانک در پرداخت میزان مشخصی از سکه‌های طلا و نقره بودند در میان بانک‌ها مبادله شود. در کنار انجام تسویه‌های بین‌بانکی با استفاده از این اوراق، بانک‌های کوچک اوراق بانک‌های بزرگ را به‌عنوان سپرده نگهداری می‌کردند.

32. Negotiable Doctorin

33. Bank Note

اصلی‌ترین عامل اعتبار این اوراق اعتبار بانک صادرکننده آن بود. از سوی دیگر سادگی در حمل و انتشار آن نیز در استقبال بانک‌ها برای استفاده از آن مؤثر بود (Persson & Sharp, 2015, pp. 136-137). رواج استفاده از اوراق و حواله‌های قابل‌انتقال به غیر برای انجام تسویه‌های بین‌بانکی سبب شد تا به مرور اوراق بانک‌های معتبر در پیشخوان سایر بانک‌ها نیز برای انجام امور بانکی مشتریان عرضه شود. از این رو این اوراق که تا پیش از آن صرفاً در مراودات بین‌بانکی مورداستفاده قرار می‌گرفت به عموم مردم عرضه شد و در مبادله‌های بازرگانی آن دوره به‌عنوان شکل تازه‌ای از پول نقد مورداستفاده قرار گرفت (Usher, 1943, p. 24).

آن‌چنان‌که اشاره گردید پول تحولات مختلفی را در ساخت واقعیت اجتماعی قرون میانه اروپا سپری کرده، اما این تحولات به‌تنهایی نمی‌توانست دلیلی موجه برای تبدیل شدن آن به مسأله‌ای تحلیلی برای متفکرین مدرسی باشد. از این رو پیش از پرداختن به نظریه‌های ارزش پول متفکرین مدرسی این سؤال قابل‌توجه خواهد بود که پول به چه دلیلی به‌عنوان مسأله‌ای تحلیلی برای متفکرین مدرسی قابل‌توجه بود؟

اگرچه در قرون میانه علوم انسانی به‌عنوان شاخه‌ای مجزا از سایر علوم به‌حساب نمی‌آمد و از این رو توجه متفکرین مدرسی به‌عنوان عالمان دانشگاهی به مسائل اقتصادی نمی‌تواند تعجب‌برانگیز باشد؛ اما با این وجود برخی زمینه‌های موجود در اندیشه مدرسی نیز می‌توانست توجه به موضوعات اقتصادی و به‌صورت خاص مسأله پول را برای یک متفکر مدرسی قابل‌توجه نماید. از منظر اندیشه مدرسی، نیازهای متعدد انسانی به‌خصوص با پیچیده‌تر شدن زندگی و نیز عدم توانایی انسان برای رفع این نیازها به‌صورت منفرد، ضرورت زندگی اجتماعی را برای انسان‌ها را ایجاد کرد (Laures, 1928, pp. 27-29). آکوئیناس در این زمینه با اشاره به زمینه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها تصریح می‌نمود که «انسان در طبیعت خود موجودی اجتماعی است؛ این از آنجا مشخص می‌شود که یک فرد به‌تنهایی از پس‌نیازهای خود بر نمی‌آید چون چیزهایی که طبیعت در اختیار او می‌گذارد به‌تنهایی برای رفع نیازهای او کافی نیست و انسان نیازمند فراوری مواد طبیعی برای رفع احتیاجات خود از قبیل خوراک، پوشاک و... به کمک سایر افراد مجتمع انسانی است». به دنبال زندگی در جامعه انسانی، تقسیم‌کار حسب استعدادها و تمایلات مختلف انسان‌ها پدید می‌آید (Dempsey, 1935, pp. 478-479) و در ادامه آن نیز مبادله برای تبادل

محصولات موردنیاز در جامعه شکل می‌گیرد. براین اساس در اندیشه مدرسی مبادله امری ضروری برای حفظ حیات اجتماعی تلقی می‌گشت. آکوئیناس در ادامه می‌افزاید که «اما چیزی که برای خیر عمومی (مبادله) معرفی شد، نباید بیشتر بار آن بر دوش یکی از طرفین باشد تا بر دوش طرف دیگر و ازاین‌رو مبادله باید بر اساس برابری (عدالت مبادله‌ای) کالا یا خدمات داده و ستانده برقرار شود. مقادیر چیزهایی که مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد نیز با استفاده از قیمت‌های داده شده برای آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود و برای این منظور پول اختراع گردید» (Dempsey, 1935, p. 481). در اندیشه مدرسی پول می‌توانست به‌عنوان ابزار مبادله و به‌عنوان ما به‌ازای عینی قیمت‌ها و ارزش‌های کالاهای مبادله‌ای در راستای حفظ برابری داده و ستانده در یک مبادله ایفای نقش نماید. ازاین‌رو برای یک متفکر مدرسی پول ابزاری ضروری برای حفظ بقاء و زندگی انسانی (تحقق غایت دنیوی یا کمال ناقص انسانی) و همچنین با کمک به برقراری عدالت مبادله‌ای ابزاری قابل‌توجه برای تحقق جهانی اخلاقی به شمار می‌آمد.

#### ۵. ماهیت پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه

نظریه پولی متفکرین مدرسی اولیه بسیار متأثر از آراء پولی ارسطو بود، به‌طوری‌که این متفکرین اغلب دیدگاه‌های خود را در قالب شرح و حاشیه‌هایی بر کتب ارسطو ذکر می‌نمودند. ازاین‌رو ضروری است تا نخست نگاهی به نظریه پولی ارسطو - تا آنجا که اندیشه پولی مدرسی را متأثر نموده است - بیندازیم. ارسطو مفهوم پول را با رویکردی غایت‌نگر<sup>۳۴</sup> موردبررسی قرار داده بود. او برای این منظور پول را بر اساس کارکردهای آن تعریف می‌کرد. از منظر ارسطو نخستین کارکرد پول بهره‌گیری از آن به‌عنوان ابزاری برای سنجش ارزش بود. او معتقد بود از آنجا که کالاهای مختلف ناهمگون بوده و در نتیجه دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند، برای مبادله آن‌ها نیازمند معیاری مشترک جهت سنجش ارزش کالاها بر اساس آن هستیم. او تأکید می‌کرد در صورتی که معیار مشترکی وجود نداشته باشد، مبادله‌ای نیز نخواهد بود، ازاین‌رو وجود این معیار برای حفظ مبادله در جامعه بسیار ضروری است. ارسطو معتقد بود که این معیار مشترک تقاضا و نیاز انسانی است و در این راستا پول نیز ابزاری عینی برای سنجش نیاز و به‌نوعی نماینده عینی تقاضای افراد در بازار خواهد بود. دومین کارکردی که ارسطو برای پول برمی‌شمرد واسطه

مبادله باهدف سهولت در مبادلات بود. او با ارائه مدلی فرضی از مبادلات افراد در یک بازار معتقد بود که کاربست پول به‌عنوان واسطه مبادله ضمن سهولت در تعیین ارزش‌های نسبی سبب سهولت در تبادل نیز می‌گردد. درنهایت نیز پول از منظر ارسطو ابزاری برای ذخیره ارزش جهت انجام مبادلات آینده تلقی می‌گردد (Crisp, 2014, pp. 89-92). از آنجاکه پول به‌طور عمده برای ارسطو نقش سنجش ارزش را ایفا می‌نمود او معتقد بود که پول همچون هر معیار دیگری بر اساس قانون و نه طبیعت وضع می‌گردد، از این رو او پول را نوعی ثروت مصنوعی که با اعتبار قانون معتبر گردیده است می‌پنداشت. در این زمینه او تصریح می‌نمود که «پول بر اساس قرارداد نوعی نماینده برای تقاضا شده است و به همین دلیل است که نام آن پول است. زیرا نه ذاتاً و به‌صورت طبیعی بلکه به‌موجب قانون وجود دارد و وضع گردیده است. این در قدرت ماست که آن را تغییر داده و آن را بی‌فایده کنیم» (Crisp, 2014, pp. 90). متفکرین مدرسی اولیه نیز دقیقاً همین روش و مشی فکری ارسطو پیرامون پول را دنبال نمودند، از این رو بر کارکردهای سه‌گانه پول تأکید ورزیدند (Fuller, 2020, p. 17). ایشان همچنین پول را ثروتی مصنوعی تلقی می‌کردند «که به‌صورت مستقیم به نیازهای طبیعی خدمت نمی‌کند» بلکه ارزش آن «با هنر انسانی ایجاد شده است» (Aquinas, 1947).

دستاورد نظریه پول مدرسی تنها محدود به بسط، توسعه و تشریح نظریات پولی ارسطو نمی‌شد. از جمله دستاوردهای متفکرین مدرسی اولیه در شناخت ماهیت پول، توجه به ماهیت سرمایه‌ای پول است. توماس آکوئیناس با مقایسه پول با بذر در این زمینه تصریح می‌کند که «... برزگر با کاشت بذر در مزرعه به‌صورت بالقوه و نه واقعی صاحب محصول است. به‌طور مشابه کسی که صاحب پول است نیز به‌صورت بالقوه دارای سود است...» (Fuller, 1947). همچنین رناردین (۱۳۸۰-۱۴۴۴)<sup>۳۵</sup> نیز بر مبنای اصل توقف سود در زمانی که بازرگانی از باقیمانده پولش که برای اهداف تجاری کنار گذاشته است وام می‌دهد، می‌گوید که او «تنها پول نمی‌دهد بلکه چیزی می‌دهد که سودآور است و ما به آن

سرمایه می‌گوییم و از این رو قرض‌گیرنده نیز باید چیزی بیش از آن پول را به اعتباردهنده بدهد» (Gordon, 1975, p. 36).

در سایه توسعه استفاده از پول در قرون میانه متأخر و همچنین با ایجاد مسائل پولی مختلف در واقعیت اقتصادی جامعه، نظریه پولی مدرسیان اولیه نیز توسعه یافت. در حقیقت چالش‌های عملی جامعه زمینه توسعه ادبیات نظری پیرامون پول را ایجاد نمود. به طوری که نخستین رساله‌های مستقل پولی در تاریخ تحلیل اقتصادی در دوره متفکرین مدرسی اولیه نگاشته شد. در این راستا عیارکاهی پول، مالکیت پول (Oreseme, 1956, p. 6 & 8)، ارزش پول و نوسانات آن و... از جمله مسائل تحلیلی هستند که در ادبیات پولی مدرسی بدان توجه گردیده است. در ادامه به بررسی نظریه ارزش پول مدرسیان اولیه و دکتترین‌های موجود در آن می‌پردازیم.

#### ۶. دکتترین‌های ارزش پول در اندیشه کلاسیک مدرسی

اگرچه ارسطو به صورت مستقیم بر ماهیت اعتباری و قراردادی ارزش پول اشاره نکرده بود اما دیدگاه او پیرامون ماهیت پول می‌تواند نظریه ارزش پول او را نیز نمایان سازد. آن‌چنان‌که اشاره گردید، ارسطو پول را حاصل نوعی قرارداد و توافق اجتماعی برای واسطه‌گری مبادلات، سنجش و ذخیره ارزش می‌دانست. ارسطو در حقیقت پول را متعین در ماده یا مواد مشخص و محدود نمی‌دید بلکه پول را ابزار و مفهومی کلی می‌دید که می‌تواند بر هر ماده‌ای که در جامعه مورد توافق عمومی قرار گیرد، اطلاق گردد. بر این اساس می‌توان ارزش پول را نیز متأثر از قرارداد و توافق عمومی - همچون سایر ابزارهای سنجش - دانست. او در بخشی از رساله خود با تأکید بر ماهیت مصنوعی - در مقابل طبیعی - پول تصریح می‌کند که «پول ضرب شده تنها یک نماد و شکل است. حقیقتی طبیعی نیست. بلکه تنها امری قراردادی است. چون اگر استفاده‌کنندگان از آن کالای دیگری را

---

۳۶. سنت آنتونیو نیز به‌طور ضمنی در ضمن تحلیل مشروعیت اخذ بهره در قرارداد وام به ماهیت سرمایه‌ای پول اشاره می‌کند. او تصریح می‌کند که «هر کسی می‌تواند تقاضای جبران کند اما نه لزوماً به سبب آسیب و ضرر ناشی از وام بلکه به سبب عایدی بالقوه‌ای که می‌توانست از سرمایه‌گذاری دارایی خود در تجارت کسب کند و یا قصد قراردادن پول خود در یک تجارت مشروع را داشته باشد...» (Gordon 1975, p. 198).

جایگزین آن کنند، بی‌ارزش می‌شود...»<sup>۳۷</sup> (Crisp, 2014, p. 9). علی‌رغم رویکرد ارسطو در اتخاذ نگرشی سابژکتیو نسبت به ارزش پول، همه متفکرین مدرسی بر این عقیده نبودند. با بررسی آراء و اندیشه‌های متفکرین مدرسی اولیه به نظر می‌رسد که برخلاف تفاسیر مختلفی که تاکنون از نظریه ارزش پول ایشان شده است - که آن را منحصر در رویکردی آبژکتیو (فلزگرا) و یا نگرشی دوگانه که مشتمل بر دکترین فلزگرا و قراردادی است، دانسته‌اند - ایشان سه دکترین متمایز پیرامون ارزش پول اتخاذ کرده‌اند که در ادامه به بررسی دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۶-۱. نگرش سابژکتیو نسبت به ارزش پول

نگرش غالب در نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه را می‌توان به رویکرد سابژکتیو نسبت به ارزش پول نزدیک دانست. متفکرین مدرسی اولیه در تبیین ماهیت پول هیچ‌گاه پول را متعین و محدود در ماده‌ای خاص نمی‌دیدند و اغلب با اتخاذ رویکردی غایت‌نگرانه پول را باتوجه به کارکردها و اهداف موردنظر برای آن تعریف می‌کردند. از سوی دیگر غلبه کارکرد معیاری و سنجش ارزش، در نظریه پولی ایشان سبب می‌گردید تا این متفکرین پول را متمایز از سایر کالاهای بازاری ببینند و از این‌رو انتظار تعیین قیمت عادلانه پول را در بازار امری ناهمگون با ماهیت پول تلقی می‌گردید. بر این اساس متفکرین مدرسی انتظار داشتند که ارزش پول نیز همچون سایر معیارها توسط حاکمیت و توافق عمومی در میان مردم تعیین گردد. بر این اساس اغلب ایشان با نقل قول از ارسطو بر تأثیر توافق و اعتبار اجتماعی بر ارزش پول تأکید داشتند. مثلاً آلبرت کبیر (۱۲۸۰-۱۲۰۰) در این زمینه تصریح می‌نمود که «... اما این معیار (پول) توسط ما تنظیم می‌شود. مردم آن را بر اساس توافقی عمومی در میان خود ایجاد نمودند تا بتوانند هر آنچه لازم داشتند را بدهند و دریافت کنند

۳۷. برخی از محققین با ارجاع به یکی از گفته‌های ارسطو که در آن او با اشاره به زمینه‌های پیدایش مبادلات خارجی به ارزشمندی ذاتی پول تأکید می‌کند، ارسطو را متفکری فلزگرا دانسته‌اند. اما همان‌گونه که گوردون (۱۹۶۱م) به درستی اشاره نموده است، تأکید ارسطو بر ارزشمندی ذاتی پول به سبب عدم اعتبار ارزش قانونی و قراردادی پول در کشورهای خارجی است. بر این اساس از آنجاکه اعتبار و برآورد عمومی نسبت به ارزشمندی، عنصری اساسی در تبدیل شدن هر ماده‌ای به‌عنوان واسطه مبادله است، از این‌رو ضروری است که پول در مبادلات خارجی از ماده‌ای ساخته شود که ارزشمندی آن مورد توافق تجار خارجی نیز قرار گیرد؛ و این مسأله نمی‌تواند منافای رویکردی سابژکتیو نسبت به ارزش پول باشد.

(مبادله نمایند) ...» (Fuller, 2020, p. 23) همچنین آکوئیناس نیز در ادامه این نگرش فکری بر تأثیر قانون بر ارزش پول تأکید می‌ورزید و بر نقش آن در بی‌اعتبارسازی ارزش پول مبتنی بر نگرشی سابژکتیو اصرار می‌ورزید. او در این زمینه تصریح می‌کرد که «این راحت است که یک‌چیز واحد وجود دارد که می‌تواند همه‌چیز را اندازه‌گیری کند و این چیز (پول) بر اساس طبیعت و ماهیت خود، ارزیابی و سنجش نمی‌شود، بلکه بر اساس تصمیم افراد است که تصمیم گرفته‌اند آن به‌عنوان معیار قرار گیرد به سکه‌ها Numisma می‌گویند که از (واژه) Nomos، قانون، می‌آید. چون سکه‌ها بر اساس ماهیت و طبیعت آن ارزیابی و سنجش نمی‌شوند، بلکه (این امر) به‌وسیله قانون صورت می‌پذیرد. این در قدرت و اختیار ماست که آن (پول) را تغییر داده یا بی‌فایده (بی‌ارزش) نماییم ...» (Fuller, 2020, p. 31). از سوی دیگر نیز از آنجاکه در نظریه ارزش مبادله‌ای مدرسیان پول جایگاه ویژه‌ای در برابری و حفظ عدالت در مبادلات داشت، از این‌رو آزادی تعیین ارزش پول در بازار می‌توانست سبب ایجاد نوسانات شدید پول و در نتیجه خدشه به عدالت مبادله‌ای گردد؛ امری که بعدها توسط خود دولت و با عیارگاهی ارزش پول - به سبب نیازهای تجاری - سبب نوسانات ارزش پول و آسیب به فعالیت‌های تجاری گردید و با واکنش متفکرین مدرسی نیز روبرو شد.

پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه به‌مثابه نوعی کاتالیزور در مبادلات تلقی می‌گردید که خود موضوع و هدف مبادله نیست. این مسأله به مبنایی برای تمایز پول از سایر کالاها در اندیشه مدرسی تبدیل شد. متفکرین مدرسی اولیه با تمایز مفهوم ثروت طبیعی و مصنوعی و قرار دادن پول در دسته دوم در حقیقت به دنبال تبیین تمایز ساحت کالایی از ساحت پولی سکه‌ها بودند. این مسأله می‌توانست به معاضدت میان نظریه ارزش و نظریه ارزش پول مدرسیان نیز کمک شایانی نماید. بر اساس نظریه ارزش مدرسی، نیاز، سودمندی و برآورد عمومی از آن‌ها مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ارزش است (Gordon, 1975, p. 174). از آنجایی که مطلوبیت و سودمندی اشیاء می‌توانست دارای ابعاد عینی و ذهنی باشد، نایدر<sup>۳۸</sup> (۱۳۳۸-۱۳۸۰) - از جمله متفکرین مدرسی اولیه - با تفکیک این دو بعد بر ابعاد ذهنی آن در سودمندی اشیا تکیه کرد. به گفته او سودمندی گاهی به معنای کارکردهای عینی یک‌چیز است و گاهی به معنای برآورد ذهنی افراد از سودمندی و



مطلوبیت اشیاء است. در نتیجه آنچه ملاک ارزش‌گذاری چیزهاست، سودمندی ذهنی است (Rothbard, 2006, p. 88). اغلب متفکرین مدرسی نیز همچون نایدر بر جنبه‌های ذهنی ارزش بیش از جنبه‌های عینی آن تأکید می‌کردند (Dempsey, 1935). به طوری که برخی از ایشان نیاز را به خرسندی و رضایت افراد از مصرف چیزها تفسیر می‌نمودند (شومپیتر، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۹). از آنجاکه بر اساس دکترین نیاز و سودمندی، تقاضای سکه به‌عنوان پول در نسبت مستقیم با کارکردهای آن قرار دارد، از این‌رو هر جا که سکه بتواند کارکرد خود را به‌عنوان وسیله مبادله بهتر ایفا نماید یا آنکه هر جا نیاز به سکه برای انجام مبادلات بیشتر باشد، ارزش پول نیز بیشتر خواهد بود. در حقیقت تمایز پول از سایر ثروت‌های طبیعی سبب می‌گردد تا مبتنی بر نظریه ارزش مدرسی به این نتیجه دست یابیم که اگر نیاز و سودمندی و برآورد عمومی از آن در یک نگرش ذهنی نسبت به ارزش می‌تواند ارزش چیزها را تعیین کند، ملاک نیاز و سودمندی پول نه سودمندی ماده آن بلکه سودمندی خود آن برای مبادله است. تأثیر کارکرد و نیازهای اختصاصی سکه به‌عنوان پول و ابزار مبادله در تحلیل‌های برخی از متفکرین مدرسی مورد اشاره قرار گرفته است. مثلاً آکوئیناس و ماگنوس با اشاره به تأثیر عملکرد پول در ارزش آن معتقد بودند که هر جا که پول بتواند وظیفه خود را به‌عنوان ابزار سنجش ارزش و مبادله به‌خوبی ایفا نماید دارای ارزش بیشتری خواهد بود (Grice-Hutchinson, 1952, p. 30).

#### ۲-۶. نگرش آیزک تیو نسبت به ارزش پول

شکل‌گیری مکتب فلسفی نام‌گرا<sup>۳۹</sup> و تأثیر آن بر اندیشه برخی از متفکرین مدرسی زمینه ایجاد دکترین پولی جدیدی را در اندیشه اقتصادی مدرسی ایجاد کرد. دکترین متأثر از نگرش نام‌گرا تمایل به نفی کلیات و انتزاعات کلی داشت که از تحلیل‌های قیاسی منبعث می‌شد و تأکید خود را بیشتر بر فهم تجربی واقعیت قرار می‌داد (Gillespie, 2008, p. 22). مبتنی بر این نگرش پیروان مدرسی مکتب نام‌گرا زمینه نظری مناسبی برای دوری از پولی داشتند که مفهومی کلی بود و امکان تعیین در هر ماده‌ای - که بتواند وظیفه پول را به‌خوبی ایفا نماید - را دارا بود. پول اغلب در اندیشه ایشان محدود به واقعیتی مادی می‌شد که در بازارها به‌صورت بالفعل در تبادل است.

نیکول ارسم از جمله پیش‌گامان مکتب فلزگرا<sup>۴۰</sup> در میان متفکرین مدرسی اولیه است که نخستین رساله مستقل پولی را نیز تألیف نموده است. او در تشریح مبادی پیدایش پول با اشاره به شیوه‌های نخستین مبادله تصریح می‌کند که پول در صورت اولیه خود به صورت سکه‌های مضروب و دارای نقش نبود، بلکه قطعاتی از فلزات با ارزش در ازای سایر کالاها مبادله می‌گردید.<sup>۴۱</sup> او با این بیان خلط بزرگی میان مبادلات پولی و مبادلات تهاتری می‌نماید و در فهم ماهیت جدید این اعتبار اجتماعی و همچنین ملاحظات ناظر بر مبادلات پولی ناتوان می‌ماند. باین وجود این مقدمه زمینه اصلی نظریه ارزش پول فلزگرای او را فراهم می‌کند؛ نظریه‌ای که با نادیده‌گیری ماهیت کلی پول به عنوان اعتباری اجتماعی و نه صرف یک کالا، بر پیوند وثیق پول با مواد سازنده آن استوار است؛ گویی که پول چیزی جز فلز سازنده آن نیست. پیوستگی ارزش پول با فلز سازنده آن از منظر ارسم تا جایی بود که او حتی اعتقاد داشت که نسبت ارزش پول‌های مختلف - همچون پول طلا و نقره - باید از نسبت ارزش فلزات آن پیروی نماید و از این رو نوسان ارزش پول نیز تنها محدود به نوسان مواد سازنده سکه می‌گردید.<sup>۴۲</sup> (Oresme, 1956, p. 10).

اگرچه انتظار می‌رود که یک متفکر فلزگرا پول را کاملاً محدود به مصادیق آن نماید و خواص و ویژگی‌های اختصاصی آن را نادیده بگیرد اما باین وجود ارسم تا این اندازه فلزگرا نبود - که شاید این می‌تواند متأثر از میراث پولی پیشینیانش باشد -؛ ارسم در بخشی از رساله خود بر ویژگی‌های خاصی - همچون راحتی جابه‌جایی و محاسبه، ارزش بالا در واحد وزن و...- تأکید می‌کند که سبب می‌گردد نتوان هر کالای باارزشی را به عنوان نوعی پول بالقوه تلقی کرد (Oresme, 1956, p. 4).

۴۰. منظور از فلزگرا در این قسمت، فلزگرای نظری است.

۴۱. «هنگامی که مردان برای اولین بار شروع به تجارت یا خرید کالا با پول کردند، پول هیچ تمبر و تصویری نداشت، بلکه مقداری نقره یا برنز با گوشت و نوشیدنی مبادله شده و (پول) با توجه به وزنش اندازه‌گیری می‌شد» (Oresme, 1956, p. 10).

۴۲. «اما این نسبت (نسبت ارزش سکه‌های مختلف) باید از رابطه طبیعی ارزش طلا به نقره پیروی کند و این نسبت باید ثابت باشد؛ و نباید به صورت دلخواهانه تغییر کند، مگر به دلایل معقول و تغییرات در ماده سازنده آن؛ چیزی که به ندرت اتفاق می‌افتد» (Oresme, 1956, p. 10).

دکترین آبژکتیو در اندیشه پولی مدرسین اولیه تنها به نظریه ارسم محدود نمی‌شد. بیل<sup>۴۳</sup> نیز یکی دیگر از متفکرین مدرسی اولیه بود که خط فکری ارسم را امتداد بخشید. او نیز بر پیوستگی ارزش پول با فلز سازنده آن تأکید می‌نمود و از این رو معتقد بود که ارزش یک واحد پول باید با ارزش مواد سازنده آن برابر باشد.<sup>۴۴</sup> همچنین او نیز همچون ارسم نوسان ارزش پول را در گرو نوسان ارزش ماده سازنده آن می‌یافت<sup>۴۵</sup> (Biel, 2020, p. 90).

### ۳-۶. نگرش چندبعدی نسبت به ارزش پول

مطالعاتی که تاکنون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسین اولیه صورت پذیرفته است، حداکثر به شناسایی دو دکترین قراردادی (سابژکتیو) و آبژکتیو منحصر بوده و بر اساس این طبقه‌بندی بوریدان به‌عنوان یکی از پیش‌گامان نظریه فلزگرای پولی در اندیشه مدرسین اولیه شناخته شده است (Like lapidus 1997; Bridray 1906; Chaplygina & lapidus 2016). با این وجود دقت در منابع دست اولی که دسترس است حقایق متفاوتی را برای ما آشکار می‌نماید که می‌توان بر اساس آن رویکرد سوم و یا میانه‌ای را شناسایی نمود. در این قسمت به بررسی این نگرش جدید با تمرکز بر آراء بوریدان می‌پردازیم.

بوریدان در رساله‌ای که به شرح کتاب اخلاق ارسطو اختصاص داشت نقدی جدی درباره پیرامون نظریه ارزش پول ارسطو مطرح می‌کند. او ابتدا به تشریح نظریه ارزش پول ارسطو و نقش دولت در ارزش‌گذاری پول می‌پردازد. همچنین عدم طبیعی بودن و در نتیجه اعتباری بودن پول از منظر ارسطو را براساس نگرش قانونی نسبت به ارزش پول می‌داند. بوریدان در ادامه در ضمن تشریح مثالی از چالش‌های عملی این نظریه آن را ناعادلانه می‌پندارد. او در این زمینه می‌گوید که «اما تعیین ارزش Penny یا Obol برعهده پادشاه نیست. در حقیقت در صورتی که پادشاه بگوید که ارزش یک Penny برابر با یک واحد نوشیدنی است این بی‌عدالتی است. چون یک نوشیدنی ممکن است در یکجا به نسبت جایی دیگر بهتر بوده و در نتیجه (دارای ارزش) بیشتر باشد» (Fuller, 2020, p.52) برخی از محققین (Baeck, 2012, p.167; lapidus, 1997) با استناد به این جمله بوریدان او را

43. Biel

۴۴. «... پول باید از نظر وزن آن به اندازه مواد قبل از ضرب ارزش داشته باشد و نه بیشتر» (Biel, 2020, p. 90).

۴۵. «ارزش پول تغییر می‌کند، برای مثال وقتی که تغییری در ماده، ترکیب یا وزن آن ایجاد شود» (Biel, 2020, p. 90).

منتسب به مکتب فلزگرا نموده‌اند؛ با این وجود با دقت در گزاره‌های مطرح شده توسط بوریدان می‌توان تفسیر متفاوتی را از نظریه او ارائه داد. به نظر می‌رسد که مسأله اصلی بوریدان در اینجا تعیین ارزش قانونی پول و رد آن نبوده است بلکه از مثالی که ارائه می‌کند روشن می‌گردد که بوریدان نگران تعیین قانونی قدرت خرید پول و به تعبیر دیگر تعیین قانونی قیمت بازاری کالاهاست؛ امری که همان‌گونه که او نیز اشاره می‌کند به دلیل ناهمگونی کالاهای بازاری غیرممکن بوده و سبب خدشه در عدالت مبادله‌ای خواهد شد.

بوریدان اگرچه منظور ارسطو از ارزش قانونی و قراردادی پول را به درستی متوجه نمی‌شود - و از این رو تفسیر متفاوتی از نظریه ارسطو ارائه می‌دهد - اما با این وجود پاسخ او به نظریه ارسطو در بردارنده اشارات تحلیلی ویژه است. به نظر می‌رسد که در میان متفکرین مدرسی اولیه او از جمله نخستین متفکرینی است که به نسبت ارزش پول و قدرت خرید آن اشاره می‌کند و نوسان ارزش پول متناسب با قدرت خرید آن را امری غیرقابل انکار در واقعیت اقتصادی جامعه می‌پندارد. از این رو توجه به این ارتباط می‌تواند پیشرفت تحلیلی ویژه‌ای در نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه به حساب آید.

عدم انکار ارزش قانونی و قراردادی پول در نظریه ارزش پول بوریدان را می‌توان در بخش‌های دیگری از رساله او مشاهده نمود که این مسأله می‌تواند شاهدی بر تفسیر جدید ارائه شده در این مقاله از نظریه بوریدان باشد. مثلاً بوریدان در بخش دیگری از رساله خود با اشاره به جایگاه حکومت در تعیین ارزش پول تأکید می‌کند که «... پول ارزش خود را از پادشاه می‌گیرد...» (Fuller, 2020, p. 59).

نظریه ارزش پول بوریدان به مؤلفه‌های پیش گفته - قدرت خرید و قانون - محدود نمی‌شد. بوریدان در کنار آن مؤلفه‌ها بر تأثیر فلز سازنده سکه‌ها (Fuller, 2020, p. 56) و همچنین طرح و نقش آن (Fuller, 2020, p. 59) بر ارزش پول نیز تأکید می‌کند. با این وجود تأکید او بر نقش فلز سازنده سکه‌ها مانع از توجه بوریدان بر سایر عوامل ذهنی مؤثر بر ارزش پول نگردیده است. بوریدان در بخشی از رساله شرح اخلاق ارسطو به مؤلفه دیگری اشاره می‌کند که در تعیین ارزش پول نقشی محوری را ایفا می‌نماید؛ مؤلفه مورد توجه او «نیاز انسانی» است. او معتقد است که ارزش پول را نیاز انسان به مبادله تعیین می‌کند و از سوی دیگر ارزش کالاها را نیز نیاز انسان تعیین می‌کند و تناظر این دو نیاز سبب تلاقی ارزش پول با نیاز انسان به کالاها می‌گردد. «از آنجاکه ارزش پول در نسبت با

نیازهای انسانی تعیین می‌گردد، کلیه کالاهای تجاری را می‌توان متناسب با پول ارزیابی کرد. در واقع همان‌طور که آن‌ها (ارزش کالاهای تجاری) متناسب با نیازهای انسانی هستند، با پول نیز - که خود متناسب با نیازهای انسانی است - متناسب خواهند بود» (Fuller, 2020, p. 52). براین اساس آنچه ارزش پول را تعیین می‌کند مؤلفه ذهنی نیاز انسانی است. مؤلفه‌ای که خود می‌تواند از بسیاری از عوامل دیگر نیز متأثر شود. در حقیقت هر عاملی که بتواند نیاز انسانی را متأثر نماید می‌تواند بر ارزش پول نیز اثرگذار باشد. از سوی دیگر این تناظر نیاز انسانی به پول و کالاها سبب می‌گردد تا میان سکه در ساحت کالایی و پولی آن تمایز ایجاد گردد؛ به طوری که نیاز به سکه در ساحت کالایی آن تنها نیاز به قطعه‌ای فلزی است، اما نیاز انسان به سکه در ساحت پولی آن در حقیقت نیاز انسان به قدرت خرید برای تقاضای مؤثر کالاها در بازار است.

در نهایت بوریدان مبتنی بر چارچوب علل اربعه فلسفی نظریه خود را جمع‌بندی می‌نماید. نظریه‌ای که ارزش پول را مشتمل بر مؤلفه‌هایی در چهار ساحت می‌داند. او از حیث علل مادی، مواد ارزشمند و کمیابی که پول را می‌سازند بر ماهیت و ارزش پول مؤثر می‌داند. همچنین از زاویه علل غایی، مبادله و سنجش نیازهای انسانی را به‌عنوان عامل اثرگذار بر ارزش و ماهیت پول معرفی می‌کند. بوریدان از منظر علل صوری، شکل و طرح ارزش اسمی سکه‌های ضرب شده را معرفی می‌نماید و در نهایت نیز از حیث علل فاعلی بوریدان به تأثیر حکومت و قانون در اعطای اعتبار و ارزش به پول اشاره می‌کند (Fuller, 2020, p. 55). براین اساس می‌توان نظریه ارزش پول بوریدان را نظریه‌ای چند ساحتی دانست که اگرچه با توجه به تأکید آن بر مؤلفه‌های ذهنی به دکترین سبژکتیو نزدیک‌تر است، اما نمی‌توان آن را کاملاً در زمره نظریات این دسته قرارداد و باید آن را دکترین سومی در عرض دو دکترین سنتی ارزش پول دانست که توسط متفکرین مدرسی اولیه ارائه گردیده است.

## ۷. دلالت‌هایی برای اقتصاد و مالیه اسلامی

توجه متفکرین مدرسی به‌عنوان متکلمان و علما مذهبیه به مسأله تحلیل اقتصادی از جمله نکات قابل توجه در نحوه مواجهه این متفکرین با پدیده‌های اقتصادی هم‌عصر ایشان است. فارغ از تحلیل اقتصادی، متفکرین مدرسی فهم پدیده‌های آفرینش و همچنین مناسبات آن با مخلوقات الهی را نوعی شناخت افعال الهی دانسته و از حیث توحید افعالی قابل توجه

می دانستند. همچنین شناخت این مناسبات می توانست بر درک بهتر قوانین طبیعی - به عنوان یکی از منابع معرفتی مدرسی - به ایشان کمک نماید. با این وجود توصیف و تحلیل در اندیشه آنان به افعال الهی محدود نمی گردید. لازمه ساخت جهانی اخلاقی برای تحقق غایت اخیر انسانی در دنیا و آخرت ایجاب می نمود تا ایشان موضوع شناسی کاملی از پدیده های مختلف مرتبط با سلوک انسانی داشته باشند؛ و از این رو تحلیل مناسبات و اعتبارات انسانی اگرچه غایت ایشان نبود، اما می توانست نقش بسزایی در تحقق اتخاذ موضعی فعال در مواجهه دینی با پدیده ها و مسائل جدید عصرشان ایفا نماید. حتی اگر یک عالم دینی وظیفه خود را در تفسیر احکام الهی و بیان گزاره های هنجاری محدود نماید، برای اتخاذ رویکردی فعال در مواجهه با اقتضائات جدید عصر خود ناگزیر است موضوع شناسی دقیقی از ابعاد نظری و عملی پدیده های مختلف انسانی داشته باشد. این امری بود که متفکرین مدرسی آن را به درستی درک نموده و در این راستا به تحلیل پدیده هایی همچون پول می پرداختند. تحلیل پول برای ایشان کمک شایانی در درک صحیح مسائل مرتبط با آن - همچون قراردادهای ربوی - داشت. از این رو به نظر می رسد که امروزه مطالعات اقتصاد اسلامی نیز نیازمند درک صحیح از ساخت و واقعیت اقتصادی - اجتماعی دنیای مدرن است. این درک نه تنها سبب التقاط اندیشه دینی نخواهد شد بلکه همان گونه که از تجربه متفکرین مدرسی برمی آید، منجر به اتخاذ مرزبندی دقیق و جزئی نسبت به تحولات اقتصادی در ساحت فردی و اجتماعی نیز می گردد و به کار بست احکام کلی شریعت بر مصادیق مختلف نیز کمک شایانی می کند.

حال که به اهمیت تحلیل اقتصادی و موضوع شناسی اعتبارات اقتصادی در مطالعات دینی اشاره گردید، روش این نوع از مواجهه تحلیلی گفتمان دینی نیز می تواند قابل توجه باشد. رویکرد غالب متفکرین مدرسی در این نوع از مواجهه برخورداردی غایت نگر با پدیده ها و نهادهای اقتصادی است. مثلاً همان گونه که اشاره گردید ایشان در مواجهه با موضوع شناسی پول، آن را متناسب با غایات و کارکردهای موضوعه آن - مانند مبادله، سنجش ارزش و... - تحلیل نمودند. از آنجاکه بنای فقه و هنجارهای دینی بر تنظیم مناسبات و سلوک انسانی است (صدر، ۱۳۷۵، ص. ۸۵)؛ و با توجه به اینکه عمل انسانی اغلب دارای غایت و مبتنی بر انگیزه و نیت فاعل آن صورت می پذیرد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۲۴). در نتیجه می توان فقه را هنجارهایی دینی دانست که مبتنی بر عمل غایت محور انسان است. بر

این اساس موضوع‌شناسی با روش غایت‌نگر - برخلاف موضوع‌شناسی مجرد و مکانیکی - می‌تواند کارایی زیادی در هماهنگی تحلیل و موضوع‌شناسی با تجویز و هنجار داشته باشد. از این رو اگرچه این نکته نافی موضوع‌شناسی مکانیکی موضوعات مختلف نیست اما باید توجه داشت که نحوه موضوع‌شناسی و هماهنگی آن با غایت مورد توجه شریعت در فقه می‌تواند کارکرد تحلیل برای تجویز را ملموس‌تر و کارتر نماید و عنصر کارایی ابزار در نسبت با غایات شریعت را به اجتهاد فقهی مسائل جدید وارد نماید. همچنین موضوع‌شناسی مبتنی بر روش غایت‌نگر می‌تواند سبب افزایش پویایی و انعطاف هنجارهای دینی در مواجهه با نهادها و اعتبارات مدرن اقتصادی گردد.

یکی از اشتباهاتی که توسط برخی از متفکرین مدرسی اولیه پیرامون تحلیل بعضی از پدیده‌های اقتصادی اتخاذ گردیده است و می‌توان از آن برای مطالعات اقتصاد اسلامی درس گرفت، ضرورت توجه به ساخت نهادهای اقتصادی در گذر زمان و در تعامل کنش‌گران اقتصادی است. آن‌چنان‌که اشاره گردید برخی از متفکرین مدرسی دارای گرایش‌ها نام‌گرا در تحلیل ماهیت پول به مبادلات تهاتری فلزات ارزشمند با سایر کالاها اشاره کرده و آن را نخستین زمینه‌های شکل‌گیری مبادلات پولی دانسته‌اند. این مسأله نشان‌دهنده عدم توجه ایشان به تغییر ساخت مبادلات و همچنین ماهیت جدید سکه‌های فلزی است. اگرچه در گذشته نیز مبادلات با استفاده از فلزات ارزشمند صورت می‌گرفته است، اما سکه به‌عنوان پول دارای اقتضائات و ملاحظات جدیدی است که مصادره آن به قطعه‌ای فلز سبب نادیده‌گیری این اقتضائات جدید و در نتیجه خطا در تحلیل‌های اقتصادی می‌گردد. متأسفانه امروزه نیز در برخی از تحلیل‌های اقتصادی با چشم‌پوشی نسبت به اقتضائات نهادهای مدرن سعی در تحویل آن به نهادهای ابتدایی و ساده می‌گردد که باعث عدم توجه به اقتضائات نهادهای مدرن اقتصادی در این دسته از تحلیل‌ها شده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از منظر مدرسین اولیه پول ابزاری ضروری برای حفظ بقاء اجتماع انسانی و همچنین تحقق عدالت مبادله‌ای در معاملات به‌شمار می‌رفت. از سوی دیگر پول می‌توانست در حرکت جامعه به سمت غایت اخلاقی خود نقش بسزایی را ایفا نماید؛ از این رو پول برای متفکرین مدرسی اولیه به‌عنوان مسأله‌ای تحلیلی قابل توجه بود. برخلاف تفاسیری که

تاکنون پیرامون نظریه پولی متفکرین مدرسی اولیه شده است، این پژوهش نشان داد که می توان سه دکترین مختلف پیرامون ارزش پول در نظریه پولی متفکرین مدرسی یافت. نخستین دکترین که به نظر می رسد تحت تأثیر آراء ارسطو اتخاذ گردیده باشد و همچنین شایع ترین نگرش پولی در میان متفکرین مدرسی اولیه نیز شناخته می شد، دکترین سبژکتیو بود که بر اساس آن پول اعتباری اجتماعی به حساب می آمد که بر اساس قرارداد و توافق عمومی جهت سهولت در مبادلات و سنجش ارزش ایجاد گردیده بود. در حقیقت پول مبتنی بر این رویکرد مفهوم و حقیقتی کلی بود که می توانست بر هر چیزی که توانایی ایفای نقش پول را داشته باشد - البته بر اساس توافق عمومی - اطلاق گردد. دکترین بعدی نظریه فلزگرای ارزش پول بود که متأثر از چارچوب نظری نام گرا پول را متعین بر صورت های خاصی از مواد می دانست و بر این اساس برای مواد سازنده آن در تعیین ارزش پول اصالت و جایگاه ویژه ای قائل بود. در نهایت نیز نگرش سوم شامل رویکردی چند ساخته نسبت به ارزش پول می شد که توسط بوریدان توسعه یافت. بر اساس این نگرش مجموعه ای از مؤلفه های مادی، صوری، غایی و فاعلی در ساخت ارزش پول مؤثر بودند.

نحوه مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی با مسأله ارزش پول دستاوردهای نظری زیادی برای مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی می تواند داشته باشد. در یک جمع بندی می توان گفت که در مواجهه یک اندیشه دینی با پدیده های اقتصادی توجه به موضوع شناسی دقیق این پدیده ها و تحلیل مناسبات مختلف آن می تواند در کاربست هنجارهای دینی بر موضوعات جدید کمک نماید. همچنین بهره گیری از روش غایت نگر در موضوع شناسی نهادهای اقتصادی می تواند بر پویایی اندیشه دینی در مواجهه فعال با پدیده های اقتصادی مبتنی بر غایات شریعت اسلامی، اثرگذار باشد. از سوی دیگر نیز توجه به پویایی های نهادهای اقتصادی و تغییرات آن در گذر زمان و همچنین درکنش فعالان اقتصادی برای جلوگیری از ساده انگاری یا ارائه تعاریفی غیرمنطبق و سنتی از نهادهای مدرن اقتصادی امری ضروری است.



### ملاحظات حقوقی

#### پیروی از اصول حقوقی

- تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

#### تعارض منافع

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

### کتابنامه

۱. ایلخانی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. ایران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
2. Ilkhani, M., (2012). History of philosophy in the Middle Ages and Renaissance. Iran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (Samt). (In Persian).
۳. پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. ایران: کتاب فردا.
4. Parsania, H., (2012). Social Worlds. Iran: Kitab Farda. (In Persian).
۵. دورانت، ویل (۱۳۸۸). تاریخ تمدن (جلد ۲)، (ابراهیم دادجو، مترجم). ایران: علمی و فرهنگی.
6. Durant, W., (2008). History of Civilization (Volume 2), (Ibrahim Dadjo, Translator). Iran: Scientific and Cultural. (In Persian).
۷. شومپیتر، جوزف (۱۳۷۵). تاریخ تحلیل اقتصادی (جلد ۱). (فریدون فاطمی، مترجم). ایران: مرکز.
8. Schumpeter, Joseph (1375). History of Economic Analysis (Volume 1). (Ferydoun Fatemi, Translator). Iran: Center. (In Persian).
۹. صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). قواعد کلی استنباط: ترجمه و شرح حلقه اول از دروس فی علم الاصول (جلد ۱)، (رضا اسلامی: مترجم). ایران: بوستان کتاب.
10. Sadr, S, M, B., (1375). The General Rules of Inference: Translation and Description of the First Chapter of Lessons in Philosophy (Volume 1), (Reza Eslami: Translator). Iran: Bostan Kitab. (In Persian).
۱۱. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه (جلد ۲)، (جلال‌الدین مجتبیوی، مترجم). ایران: علمی و فرهنگی.
12. Caplestone, F, C., (2008). History of Philosophy (Volume 2), (Jalaluddin Mojtbbavi, Translator). Iran: Scientific and Cultural. (In Persian).
۱۳. گمپل، ژان (۱۳۷۴). انقلاب صنعتی قرون وسطی، (مهدی سحابی، مترجم). ایران: مرکز.
14. Gampel, J., (1374). Medieval Industrial Revolution, (Mehdi Sahabhi, Translator). Iran: Center. (In Persian).

15. Ashworth, E. J. (1995). *Late Scholastic Philosophy: Introduction*. *Vivarium*, 33(1), 1-8.
16. Aquinas, T. (1947). *Summa Theologica*, New York: Benziger Brothers. *Journal of Philosophical Economics: Reflections on Economic and Social Issues*, VIII, 2.
17. Baeck, L. (2012). *The Mediterranean Tradition in Economic Thought*. Routledge.
18. Biel, G., (2020). "On the Power and Utility of Moneys". In Fuller, Edward W., (ed). *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing, 29-34
19. Bloch, M., (2014). *Feudal Society*. London: Routledge.
20. Bridrey, É. (1906). *La Théorie de la Monnaie au XIVe Siècle: Nicole Oresme; Etude D'histoire des Doctrines et Des Faits Economiques*. V. Giard & E. Brière.
21. Crisp, R. (Ed.). (2014). *Aristotle: Nicomachean Ethics*. Cambridge University Press.
22. Chaplygina, I., & Lapidus, A. (2016). Economic Thought in Scholasticism. in *Handbook on the History of Economic Analysis Volume II*, 20-42. Edward Elgar Publishing.
23. Copleston, F, C., (2008). *History of Philosophy (Volume 2)*, (Jalaluddin Mojtavai, Translator). Tehran: Scientific and Cultural.
24. Dempsey, B. W. (1935). Just Price in a Functional Economy. *The American Economic Review*, 471-486.
25. Durant, Will (2008). *History of Civilization (Volume 2)*, (Ibrahim Dadjo, Translator). Tehran: Scientific and Cultural.
26. Fuller, E. W. (Ed.). (2020). *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money Before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing.
27. Gampel, J., (1374). *Medieval Industrial Revolution*, (Mehdi Sahabhi, Translator). Central Tehran.
28. Gillespie M, A., (2008). *The Theological Origins of Modernity*. Chicago & London: Chicago University.
29. Gordon, B. (1975). *Economic Analysis before Adam Smith: Hesiod to Lessius*. Springer.
30. Grice-Hutchinson, M. (1952). *The School of Salamanca: Readings in Spanish Monetary Theory*. London: Oxford University.
31. Ilkhani, M., (2012). *History of Philosophy in the Middle Ages and Renaissance*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (Samt).
32. Islahi, A. A. (2011). Linkages and Similarities between Economics Ideas of Muslim Scholars and Scholastics. In *Lectures in Islamic Economics and Finance, Selected From Wednesday Seminars, King Abdulaziz University, Islamic Economics Institute, Jeddah* (pp. 307-332).

33. Knapp, G. F. (1924). *The State Theory of Money*, New York: Augustus M.
34. Langholm, O. (1992). Economics in the Medieval Schools: Wealth, Exchange, Value, *Money and Usury According to the Paris Theological Tradition* 1200-1350.
35. Lapidus, A. (1997). Metal, Money and the Prince-John Buridan and Nicholas Oresme after Thomas Aquinas. *History of Political Economy*, 29(1), 21-53.
36. Laures, J. (1928). *The Political Economy of Juan de Mariana*. Ludwig von Mises Institute.
37. Mariana, J., (2002). A Treatise on the Alteration of Money. *Journal of Markets & Morality*, 5(2).
38. Monroe, A. E. (1923). *Monetary Theory before Adam Smith* (Vol. 25). Harvard University Press.
39. Noonan, J. T. (1957). *The Scholastic Analysis of Usury*.
40. Oresme, N., (1956). *The De Moneta of Nicholas Oresme, and English Mint Documents: Translated from the Latin with Introd. And Notes*. Vol. 13. London, Nelson.
41. Orozco De La TORRE, O. (2008). *Monetary Thought in Islamic and Christian Scholars* (13th-16th century): a Comparative Perspective on Debasement and the Rise of the Quantity Theory of Money.
42. Parsania, H., (2012). *Social Worlds*. Tehran: Kitab Farda.
43. Persson, K. G., & Sharp, P. (2015). *An Economic History of Europe*. Cambridge University Press.
44. Rothbard, M. N. (2006). *An Austrian Perspective on the History of Economic Thought: Economic Thought before Adam Smith; and Classical Economics*.
45. Sadr, S, M, B., (1375). *The General Rules of Inference: Translation and Description of the First Chapter of the Lessons in Philosophy of Philosophy* (volume 1), (Reza Eslami, Translator). Qom: Bostan Kitab.
46. Simmel, G. (2004). *The Philosophy of Money*. Routledge.
47. Schumpeter, J. A. (1994). *History of Economic Analysis London*: Routledge.
48. Schumpeter, J., (1375). *History of Economic Analysis* (Volume 1). (Ferydoun Fatemi, Translator). Central Tehran.
49. Usher, A. P. (1943). *The Early History of Deposit Banking in Mediterranean Europe*.
50. Vincent, J. (2014). *Historical, Religious and Scholastic Prohibition of Usury: The Common Origins of Western and Islamic Financial Practices*.